

صلح در افغانستان بدون تأمین امنیت و حفاظت حقوق بشری هزاره‌ها و دیگر جوامع تحت ستم ممکن نیست.

بیانیه جامعه دیاسپورای هزاره در رابطه به «مذاکرات بین‌الافغانی» دوحه، قطر

۱۰/۰۷/۱۳۹۹

شروع مذاکرات بین‌الافغانی، در دوحه، یک فرصت خوب برای برقراری صلح و ثبات درازمدت در افغانستان است. از این‌رو، دیاسپورای جهانی هزاره، برای اطمینان از موفقیت مذاکرات، از جناح‌های مذاکره‌کننده می‌خواهد تا به حفظ اصول اساسی حقوق بشر، عدالت، آزادی‌های دینی و عقیدتی، حاکمیت قانون و برابری تمام شهروندان افغانستان تعهد کرده و از آن محافظت کنند. پایان یافتن جنگ و درگیری آرزوی دیرینه و قلبی ما است تا مردم افغانستان بیش از این متقبل و متحمل رنج و قربانی‌های بی‌شمار دیگر نشوند. با در نظر داشت این مسئله، می‌خواهیم به صورت جدی تأکید کنیم که در هر راحل سیاسی و توافق ممکن باید نیازهای تاریخی، متکثر، منافع و نگرانی‌های تمام گروه‌های قومی، به ویژه گروه‌های ستم‌دیده و به حاشیه رانده شده مانند هزاره‌ها در نظر گرفته شود.

به صورت مشخص، می‌خواهیم بر اهمیت حیاتی تأمین امنیت و حفظ حقوق بشری تمام گروه‌های محروم و به حاشیه رانده شده مانند زنان، اقلیت‌های مذهبی مانند هندوها و سیک‌ها و دیگر گروه‌های تحت ستم، به ویژه هزاره‌ها که در طول تاریخ افغانستان قربانی خشونت‌ها و ستم‌های مذهبی و قومی بوده‌اند، تأکید کنیم. در طول سال‌های اخیر، این گروه‌ها بارها شکنجه، ستم، خشونت و ظلم طالبان را تجربه کرده‌اند. گروه طالبان مرتکب جنایات سنگین، کشتار، شکنجه و آزار و اذیت جمعی افراد ملکی مردم هزاره شده‌اند که می‌توان از قتل عام مزار شریف (۱۹۹۸)، یکاولنگ، رباتک و کنده‌پشت ولایت زابل به عنوان نمونه یاد کرد. گروه طالبان آثار تاریخی و فرهنگی ما، مانند بودای بامیان (۲۰۰۱) را تخریب کردند و در محضر عام و به صورت علنی قصد و نیت‌شان بر کشتار جمعی هزاره‌ها، به خاطر متفاوت بودن مذهب و قومیت‌شان، را اعلان کردند.

همچنان در سال‌های اخیر، هزاره‌ها از کشتار هدفمند توسط گروه‌های تروریستی، به ویژه طالبان رنج برده‌اند. جای بسی تأثر و تأسف است که حکومت افغانستان به صورت متواتر در محافظت از هزاره‌ها کوتاهی کرده و دچار غفلت شده و قادر به محافظت از زندگی و جان آن‌ها نبوده است. همین‌طور به دادخواست و صدای جمعی شهروندان هزاره برای حفظ امنیت و تأمین عدالت برای قربانیانی که با انگیزه‌های قومی مورد ستم و خشونت قرار گرفته‌اند، رسیدگی نکرده است؛ همین‌اکنون، حملات طالبان بالای قریه‌ها و مناطق هزارمنشین ادامه دارد و اکثریت قربانیان این حملات افراد ملکی‌اند. ادامه خشونت و حملات طالبان باعث نگرانی و عدم اعتماد مردم هزاره شده است و شک و تردید و نگرانی‌هایی را در مورد صدق نیت، حسن نیت و تعهد طالبان نسبت به صلح را به وجود آورده است.

با در نظر داشت روابط بد طالبان با هزاره‌ها در گذشته، مهم و حیاتی است تا مذاکرات جاری صلح در دوحه به نگرانی‌های اساسی هزاره‌ها توجه و رسیدگی جدی کرده و حقوق تسجیل‌شده آنان در قانون اساسی را در توافقات صلح آینده در نظر گرفته و تضمین کنند. باید روشن سازیم که هدف ما از جلب توجه جناح‌های شامل در مذاکرات به واقعیت‌های عینی، ایجاد موانع بر سر راه مذاکرات صلح نیست؛ بلکه می‌خواهیم مطمئن شویم که تمام پیشرفت‌ها در این زمینه و مسئله صلح ممکن با طالبان در چارچوبی صورت بگیرد که بتواند به صورت مؤثر حقوق، زندگی و عزت مردم هزاره را محافظت و امنیت آنان را تأمین کرده و از دیگر گروه‌های آسیب‌پذیر از جمله زنان و گروه‌های قومی- مذهبی مختلف در افغانستان نیز صیانت کند. تضمین حقوق اساسی و تسجیل‌شده مردم هزاره و دیگر گروه‌های ستم‌دیده در قانون اساسی افغانستان باید بخشی جدانپذیر هر توافق ممکن صلح با طالبان باشد.

از این رو، بیانیه حاضر، مواردی را که ما باور داریم جزء مؤلفه‌های اساسی صلح پایدار در افغانستان است، مطرح می‌کند. موارد ذیل به صورت خلاصه موضوعات مهمی‌اند که ما می‌خواهیم تمام گروه‌های شامل در «مذاکرات صلح بین‌افغانی» از طرف دیاسپورای هزاره را در سراسر جهان مورد توجه قرار داده و مد نظر بگیرند:

1. به رسمیت شناسی: مذاکرات صلح باید ستم‌های تاریخی بر مردم هزاره، به خاطر قومیت و مذهب‌شان را که توسط طالبان صورت گرفته است را، به رسمیت بشناسند و مطمئن سازند که:

الف: حقوق اساسی و نگرانی‌های امنیتی هزاره‌ها، به عنوان یک گروه قومی و فرهنگی متفاوت، به رسمیت شناخته شده و در جریان مذاکرات صلح محافظت می‌شود.
ب: چنانچه بخش بزرگی از هزاره‌ها شیعه مذهب هستند، باید حقوق و آزادی‌های مذهبی هزاره‌ها، همان‌طور که در قانون اساسی فعلی افغانستان شناخته شده است به رسمیت شناخته شود و فرصت‌های آن‌ها به عنوان شهروندان مساوی در افغانستان به خاطر عقیده شان محدود نشود.

2. شمولیت: هر توافق صلح ممکن باید از شامل بودن برابر و کامل هزاره‌ها در ساختار حکومتی و سیستم سیاسی پس-صلح اطمینان داده و آن را تضمین کند:
الف: در این رابطه، خواست ما این است که توافق صلح با طالبان باید شمولیت کامل هزاره‌ها و دیگر گروه‌های قومی را در ساختار حکومتی و سیستم سیاسی پس-صلح تضمین کرده و فرصت‌های مساوی برای آن‌ها برای سهم‌گیری در تمام بخش‌ها را فراهم سازد.

3. امنیت: در میان آسیب‌پذیری روز افزون هزاره‌ها به خشونت‌های فرقه‌ای و قومی، به ویژه توسط طالبان، تضمین امنیت هزاره‌ها در مذاکرات صلح مهم و حیاتی است:
الف: حکومت افغانستان و جامعه بین‌الملل که از تلاش‌های و مذاکرات صلح حمایت می‌کنند باید تدابیر و برنامه‌های لازم را برای محافظت از گروه‌های قومی-مذهبی مانند هزاره‌ها در مقابل تهدیداتی که اساس مذهبی دارند، مانند قتل عام، بی‌جاسازی اجباری، کشتار هدفمند و گروگان‌گیری روی دست گیرند.
ب: برای نشان دادن حسن نیت به پروسه صلح، طالبان باید از تمام خشونت‌ها و حملات جاری‌شان بر علیه هزاره‌ها و مناطق هزاره‌نشین و افراد ملکی دست بکشند.

4. دموکراسی: اصول دموکراتیک، حقوق بشر و آزادی‌های اساسی که در قانون اساسی افغانستان تضمین شده‌اند باید به عنوان بخشی از نتیجه مذاکرات صلح با طالبان محافظت شوند:

الف: جامعه هزاره به صورت گسترده به این باور است که امنیت و حقوق تمام شهروندان افغانستان فقط می‌تواند در درون یک سیستم سیاسی دموکراتیک حفظ شوند. به همین منظور، ما از سیستم سیاسی ای پشتمانی می‌کنیم که به اساس انتخابات آزاد و منصفانه استوار باشد و تمام شهروندان حقوق و فرصت‌های مساوی برای انتخاب نمایندگان و رهبران حکومت‌شان را داشته باشند.

ب: قانون اساسی افغانستان از جمله مهمترین دستاوردهای پس-2001 است و باید از آن محافظت شود و فصل دوم قانون اساسی (حقوق اساسی و وجایب شهروندان) قابل معامله نیست.

5. مساوات: برآیند ما حاصل مذاکرات صلح باید بتواند هر نوع نابرابری و بی‌عدالتی‌های سیستماتیک و ساختاری که باعث به حاشیه راندن سیاسی و اقتصادی-اجتماعی هزاره‌ها در افغانستان می‌شود را، از بین برده و برطرف سازد:

الف: عدالت و برابری از جمله بنیادهای اساسی صلح پایدار هستند. مذاکرات بین‌افغانی و توافق ماحصل از آن باید برابری تمام شهروندان را، بدون در نظر داشت قومیت، مذهب، جنسیت، سابقه فرهنگی و دیگر هویت‌های جمعی و فردی، تضمین کند.

ب: تمام شهروندان افغانستان از فرصت‌های مساوی مشارکت در تمام امور کشوری، به شمول انتخاب کردن و انتخاب شدن به پست‌های سیاسی در هر سطحی بر اساس اصول دموکراتیک جهانی باید برخوردار باشند.

د: برای تضمین برابری تمام شهروندان، مذاکرات صلح باید بتواند مکلفیت‌های قانونی افغانستان در برابر جامعه جهانی را احترام و تعهدات حقوق بشری بین‌المللی مانند اعلامیه جهانی حقوق بشر، کنوانسیون منع و مجازات نسل‌کشی، اعلامیه جهانی منع و از بین بردن هر نوع تبعیض نژادی، کنوانسیون بین‌المللی حقوق سیاسی و مدنی و دیگر معاهدات بین‌المللی را حفظ کرده و پاس دارد.

6. حساب‌دهی: باید میکانیزم حساب‌دهی قبل از مذاکره و الزام‌آور از لحاظ قانون وجود داشته باشد تا حقوق و امنیت هزاره‌ها را تضمین کرده و طرز العمل‌های اساسی و روشن را ارائه کند و مشخص سازد در صورتی که تخطی و سرپیچی از تعهدات حقوق بشری توسط جناح طالبان صورت گیرد، چه مواردی می‌تواند تطبیق این میکانیزم‌ها را به پیش برد.

الف: کمک‌های بین‌المللی، بعد از این باید به حفاظت و حمایت از حقوق گروه‌های اجتماعی آسیب‌پذیر و محروم، مانند زنان و گروه‌های تحت ستم مانند هزاره‌ها مشروط باشد.

ب: طالبان بارها نشان داده‌اند که از قوانین حقوق بشری بین‌المللی یا اصول دموکراتیک اطاعت نکرده و به آن احترام نمی‌گذارند. خواست ما این است که طالبان باید تمام معاهدات و اسناد مرتبط به قوانین حقوق بشری بین‌المللی که افغانستان امضا کرده است را به رسمیت بشناسند. همچنان جامعه بین‌المللی شامل در پروسه صلح باید مطمئن سازند که ارزش‌های حقوق بشری در جریان مذاکرات صلح پاس داشته شده‌اند و در صورتی که این ارزش‌ها از سوی طالبان نقض گردد، به طور مثال به حملات هدفمند شان بر علیه هزاره‌ها را ادامه دهند، پاسخگو خواهند بود.

از طرف:

هزاره اینترنشنال، شورای جهانی هزاره، مرکز پژوهشی هزاره‌ها در کانادا، شورای هزاره‌های بریتانیا، مرکز خدمات بشردوستانه کانون، هزاره‌های کانادا، انجمن صلصال در سویدن، انجمن کاتب در دانمارک، شبکه سراسری هزاره‌های اسماعیلی در کانادا، فرهنگی هزاره‌های هامبورگ و بنیاد شهید مزاری در استرالیا.

Global Hazara Organizations

